

عدالت در انگلستان

« ۸ »

داوری (۱) - یکی دیگر از طرق رسیدگی و حل اختلافات ناشی از مسائل حقوقی ارجاع قضیه به شخص یا اشخاصی خارج از دادگاه است. این طریقه را در اصطلاح ارجاع امر بدآوری میگویند. (۲) اشخاص میتوانند، بموجب قرارداد، یا از طریق دادگاه. حل اختلافات خود را به قضاوت شخص یا اشخاصی غیر از قضات ویا صاحب منصبان و متصدیان امور قضائی واگذار نمایند. قرارداد داوری معمولاً کتبی تنظیم میگردد و ممکن است پس از وقوع اختلاف در دادگاه ویا خارج از دادگاه صورت گیرد، و نیز میتوان با گنجاندن ماده‌ای در قراردادها رفع هرگونه اختلافاتی را به قضاوت داوران محول نمود. چنانچه در قراردادهای تجاری و تقریباً در تمام قراردادهای بیمه شرطی در خصوص ارجاع اختلافات ناشی از قرارداد به داوری شخص یا اشخاصی ویا مؤسسات وجود دارد. نوع شخص ویا اشخاصیکه برای ایفاء نقش داوری در نظر گرفته میشوند بسته به نوع قرارداد و طریقه ایستکه آن قرارداد پیش‌بینی میکند. برای بعضی از انواع قراردادها مانند قراردادهای تجاری و کلای دادگستری، که متخصص امور حقوقی و دارای اطلاعات و تجربیاتی در امور حقوقی و تجاری میباشند، بسیار مناسب‌اند؛ و غالباً در دعاوی مهم از طرف صاحبان قراردادها و کمپانیهای بزرگ بعنوان داور انتخاب و تعیین میگردند. برای بعضی امور دیگر، از قبیل امور فنی و اسئال آن، بهتر است داوری انتخاب شود که دارای اطلاعات فنی و صلاحیتش در امر مربوطه معزز باشد. با این همه در تمام این قبیل موارد وجود و حضور وکیل دادگستری ضرورت داشته و داوران سعی دارند بدون نظر و مشورت و کلاء دادگستری اظهار نظر نمایند؛ زیرا نظارت

۱ - Arbitration

۲ - Submission to arbitration

یک مغز قضائی را برای استحکام قضاوت خود، وجلو گیری از لغزش های خطرناک، لازم می شمارند.

در مواردی که شخص داور در قرارداد داوری مشخص نباشد داد گاه های بزرگ (شهرستان) اختیارات کافی برای تعیین داور خواهند داشت. و در صورتیکه داوران عملی بر خلاف انجام دهند داد گاه میتواند آنها را عزل نماید.

گرچه ارجاع امر بدآوری طرفین دعوی را از مراجعه بداد گاه ها و طرق دادرسی معمولی ممنوع میسازد، مع هذا در صورتیکه بداد گاه مسلم گردد که در خصوص دعوائی حل اختلافات از طریق داوری امکان پذیر نیست و یا اینکه داد گاه مصلحت طرفین را در رسیدگی قضائی تشخیص دهد، میتواند دستور رسیدگی بدعوی طرفین را از طریق دادرسی معمولی صادر نماید. نظر داوران برای طرفین دعوی لازم الاتباع است مگر آنکه داد گاه آن نظر را بجهاتی مخالف با قانون اعلام نماید؛ و در مواردی که رأی داوران موافق با اصول قضائی صادر گردیده داد گاه با صدور قرار رأی آنها را لازم الاجرا میسازد، و در این صورت رأی داوران بمثا به حکم صادره از داد گاه بوده و قابلیت اجرائی دارد. گرچه ارجاع امر بدآوری امری است اختیاری لیکن نباید تصور نمود که تمام قراردادهای داوری اختیاری است بلکه غالب قراردادهای بیمه های اجباری، که دارای شرایط ارجاع اختلافات به داوری است، متقاضی بیمه را اجبار به قبول داوری مینماید؛ چنانکه در مورد بیمه های شخص ثالث که برای رانندگان اجباری بوده، اگر دارندگان اتومبیل شرط داوری را در قرارداد بیمه نپذیرند (با توجه باینکه تمام شرکتهای بیمه قبول آنها برای متقاضی الزامی نموده اند) از تنظیم قرارداد بنفع شخص ثالث محروم خواهند بود و بالنتیجه از رانندگی ممنوع میباشند. با این ترتیب ملاحظه میشود که آزادی قراردادهای در بعضی موارد اساساً ارزش خود را از دست میدهد و مقررات پریپیچ و خم زندگی متمدن اسروزی دامنه آزادیهای قضائی افراد را روز بروز محدود تر میسازد. نکته قابل ذکر در مورد داوری آن است که هر گاه قرارداد بیمه باطل شد شرط داوری موجود در آن قرارداد نیز خود بخود باطل است و در این صورت بیمه شده میتواند در مراجع قضائی طرح دعوی نماید.

ارجاع امر بدآوری از نظر سهولت و سرعت رسیدگی و عدم رعایت تشریفات پیچیده دادرسی، دارای معاسنی است و چون داوران از بین اشخاص مطلع

و متبعر در امور مخصوص مورد داوری انتخاب شده اند تصمیمات آنها ممکن است بهتر از تصمیمات قضائی باشد که از جریان دادوستد و تجارت بی اطلاع اند و معمولاً به شرایط محلی و اوضاع و احوال مربوط به قضیه پیگانه اند.

داوران در مقابل عملی که انجام میدهند حق الزحمه دریافت می‌دارند و چون امر داوری معمولاً بدون دخالت و کیل و یا مشاور حقوقی انجام پذیر نیست حق الوکاله نیز جزء هزینه هائی است که باید پرداخت شود؛ و هرگاه تهیه دلائل نیز محتاج به پرداخت هزینه باشد طرفین عهده‌دار پرداخت آن خواهند بود.

بنا بر آنچه گذشت حل اختلافات از طریق داوری دارای محاسنی است که از نظر سرعت و پیشرفت و اخذ نتیجه قابل مقایسه با رسیدگی قضائی نیست و لذا شایسته است که نسبت بان توجه بیشتری مبذول گردد به خصوص در کشورهای عقب مانده که دعوی زیاد و بی اساس وقت و فرصت دستگاه قضائی را بیجهت تلف میسازد.

مبحث دوم - صلاحیت و رسیدگی جزائی

۱ - مقدمه

در سیستم جزائی انگلستان، مانند سیستم های دیگر، جرائم بدو دسته تقسیم میگردند: یکی جرائم کم اهمیت یا کوچک، (۱) که مجازاتها به تناسب جرم ارتکاب شده تعیین شده اند؛ و دیگر جرائم مهم، که بسبب خطراتی که برای اجتماع و نظم عمومی دازند مجازات زیادی برای آنها تعیین گردیده است. تحقیقات اولیه این جرائم در دادگاههای ماژیسترایت انجام و سپس برای رسیدگی بدادگاههای عالی تری احاله میگردد؛ و یکی از خصوصیات آنها این است که حتماً با حضور ژوری مورد رسیدگی قرار میگیرند. رسیدگی بجرائم نوع اول بطور اختصاری (۲) و با تشریفات کمتری انجام میشود، در صورتیکه رسیدگی بجرائم نوع دوم در دادگاههای کوارترشن و دادگاههای فصلی، و با تشریفات بیشتر بعمل می آید. (۳)

۲ - صلاحیت ابتدائی محاکم جزائی

با توجه به تقسیم بندی فوق دادگاههای مرجع رسیدگی بجرائم نیز

۱ - Petty offense

۲ - Summarily

۳ - On indictment

بدو گروه تقسیم میگردند: دسته اول داد گاهائی که بجرائم کوچک رسیدگی مینمایند که بنوبه خود نیز بدو دسته تقسیم میشوند؛ دسته اول داد گاههای ماژیسترایت که مرجع رسیدگی جرائم کوچکی هستند که بدون حضور ژوری تحت رسیدگی قرار میگیرند و حداکثر مجازاتی که این داد گاهها میتوانند اعمال کنند ششماه حبس میباشد. دسته دیگر داد گاههای کوارترشن که مرجع رسیدگی جرائم کوچک اند، النهایه با حضور ژوری، و تحقیقات اولیه (۱) مربوط باین جرائم در داد گاههای ماژیسترایت بعمل میآید و چون برای رسیدگی باین جرائم حضور ژوری لازم و یا متهم حق دارد در بعضی موارد از ژوری استفاده کند و داد گاههای ماژیسترایت فاقد ژوری اند، لذا این جرائم را به داد گاههای کوارترشن احاله مینمایند. گرچه داد گاههای کوارترشن به جرائم مهمتری رسیدگی میکنند مع هذا باید توجه داشت که رسیدگی جرائمی که مجازاتشان از درجه اعدام است در صلاحیت این داد گاهها نبوده و رسیدگی آنها به داد گاههای فصلی (۲) در استانها و داد گاه عالی جنائی مرکز مراجعه میگردد که این جرائم نیز از نوع جرائم مهم است.

داد گاه عالی جنائی (۳) در واقع همان داد گاه فصلی لندن است که جز یک ماه و نیم تابستان، در بقیه فصول سال باز بوده و بجرائم بزرگ رسیدگی میکند و چون این داد گاه در یکی از محلههای قدیمی مرکز لندن بنام الدبیلی واقع است نام آن نیز الدبیلی (۴) معروف شده است و بهمین اسم خوانده میشود.

بررسی آمار رسیدگیهای جزائی در انگلستان نشان میدهد که در ایام جنگ و بعد از آن بعلت فقر اقتصادی و فرهنگی تعداد جرائم رو باز دیاد می رود چنانکه در سال ۱۸۵۴ اشخاصیکه با حضور ژوری محاکمه شدند بالغ بر ۲۹۰۰۰ بوده و حال آنکه این عدد در ده سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ بطور معدل به ۹۰۰۰ در سال کاهش یافتند از زمان جنگ این ارقام تا ۱۹۰۰ در سال بالا رفت و در سال ۱۹۵۸ به ۲۷۷۴۱ رسیده است. در بعضی جرائم ممکن است بتقاضای متهم او را با حضور ژوری و یا بدون ژوری محاکمه نمود، و معمولاً در مواردیکه متهمین احتمال

۱ - Preliminary inquiries

۲ - Assize Courts

۳ - Central criminal court

۴ - Old Bailey

محکومیت خود را میدهند تقاضای محاکمه بدون ژوری مینمایند زیرا بفرض محکومیت ، چون مجازات محاکمات بدون ژوری از ۶ ماه حبس و . . . پوند غرامت تجاوز نمیکند ، متهم صلاح را در محاکمه بدون ژوری دانسته و با تسلیم بمحکومیت خود را از بار مجازات بیشتری خلاص میکند؛ چنانکه در مورد سرقت (۱) حداکثر مجازات ، در صورتیکه محاکمه در حضور ژوری انجام شود ، ۵ سال و از طریق اختصاری ۶ ماه است .

معهدا نباید تصور نمود که تمام انواع سرقت ها قابل رسیدگی بهر دو طریقه است زیرا مثلا جرم سرقت با شکستن حرز، ویا وارد شدن به خانه کسی به قصد سرقت (۲) از جرائمی است که فقط با حضور ژوری قابل رسیدگی است . محاکمه در حضور ژوری ممکن است این حسن را برای متهم داشته باشد که در صورت وجود یک وکیل مدافع خوب ، و دفاع ژوری پسند ، ژوری نظربه اینکه تحت تاثیر دفاع قرار گرفته ، متهم را تبرئه سازد .

۳ - صلاحیت استینافی دادگاه های جزائی

استیناف از احکام جزائی دادگاه های ماژیسترایت . مرجع رسیدگی استینافی احکام جزائی دادگاه های ماژیسترایت دادگاه های بزرگ (شهرستان) - میباشد - مراجعه باین دادگاه ها وقتی است که پژوهش خواه بعلت عدم رعایت قانون (۳) از حکم صادره تقاضای رسیدگی پژوهشی مینماید و در غیر این صورت درخواست استینافی بدادگاه های کوارترشن تقدیم خواهد شد . در مواردیکه دادگاه های بزرگ (شهرستان) بدعاوی استینافی دادگاه های ماژیسترایت رسیدگی میکنند دادگاه از سه قاضی تشکیل میگردد . استیناف از محاکم کوارترشن نیز بدادگاه های بزرگ (شهرستان) داده میشود و این استیناف منحصر است بشکایت از عدم رعایت قانون توسط محاکم بدوی .

چنانکه ملاحظه میشود استیناف از دادگاه های جزائی مادون که عبارت ازدادگاه های ماژیسترایت و کوارترشن باشند بدادگاه های بزرگ شهرستان ارجاع میشود و در بین دادگاه های مادون نیز استیناف از احکام جزائی دادگاه های

۱ - Larceny

۲ - House breaking

۳ - On a point of Law

ماژیسترایت به داد گاه‌های کوارترشن تقدیم میگردد و بدین ترتیب برای استیناف از احکام جزائی ماژیسترایت دوبرجع موجود است یکی داد گاه‌های کوارترشن و دیگری داد گاه‌های بزرگ شهرستان .

از داد گاه‌های جزائی تالی که بگذریم استیناف جزائی احکام داد گاه فصلی (۱) و نیز استیناف احکام بدوی داد گاه‌های کوارترشن به داد گاه استیناف جزائی (۲) تقدیم میگردد . در این جا لازم است این نکته تذکر داده شود که تا سال ۱۹۰۷ سیستم استیناف جزائی در کشور انگلستان وجود نداشت، تا آنکه واقعه اسف انگیز ادولف بک (۳) موجب گردید داد گاه‌های استیناف جزائی بوجود آیند . ادولف بک به خاطر جرمی که مرتکب نشده بود سالها در زندان ماند، و چون مرجعی برای رسیدگی استینافی و تجدید نظر در حکم غلط بدوی، در آن زمان، وجود نداشت، آدلف همچنان در زندان بسر میبرد .

محاکم استیناف جزائی معمولا از رئیس کل محاکم شهرستان و دو قاضی بخش قراردادها تشکیل میگردد (۴) . یکی از مختصات سیستم جزائی انگلستان این است که از حکم تبرئه متهم نمیتوان استیناف خواست و هر گاه در محاکمه‌ای ژوری نظر خود را بر عدم مجرمیت (۵) متهمی اعلام کند قضیه خاتمه یافته تلقی میگردد . از حکم داد گاه‌های استیناف جزائی میتوان بمجلس اعیان انگلستان (۶) که عالیترین مرجع قضائی آن کشور است تقاضای استیناف مجدد (۷) یا فرجام نمود، لکن این امکان بسیار محدود و جز در موارد خاصی قابل پذیرش نیست و بهمین جهت سالیانه بطور معدل بیش از یک تقاضای تمیزی از احکام جزائی پذیرفته نمیشود . شرط قبول تقاضای تمیزی آنستکه مدعی العموم کل (۸) گواهی نماید که تقاضای فرجام از نظر قانون (۹) و از نظر مصلحت عامه

- ۱ - Assize
- ۲ - The court of criminal Appeal
- ۳ - Adolf Beck
- ۴ - Puisse judges
- ۵ - Not guilty
- ۶ - House of Lords
- ۷ - Second Appeal
- ۸ - The Attorney general
- ۹ - On a point of Law

دارای چنان اهمیت استثنائی است که به خاطر حفظ منافع عموم شایسته است تقاضای استیناف مجدد (فرجام) از فرجامخواه پذیرفته شود.

۴

تعقیب و تحقیق

در امر جزائی لازم است دستگاهی عهده دار تعقیب مجرم و تحقیق از او و کشف جرم گردد، و دستگاه دیگری بجرم رسیدگی نموده برائت متهم یا محکومیت او را اعلام دارد. در نظام جزائی انگلستان که این سیستم را پذیرفته است قسمت اول، یعنی تعقیب و تحقیق از متهم، بعهدہ پلیس واگذار شده و اوست که میتواند مستقیماً و یا به بتقاضای شاکی کسی را متهم بارتکاب جرم نموده، او را تعقیب و بدادگاه بکشاند، و برعهده پلیس یا شاکی است که اتهام را در محکمه اثبات نماید، و الا صرف اتهام کافی برای محکومیت نبوده و در مواقعی که پلیس نتواند اتهام را اثبات کند متهم هیچگونه زحمتی در دفاع از خود نخواهد داشت، و صرف عدم توانائی پلیس در اثبات اتهام کافی برای تبرئه ورهائی متهم میباشد؛ بنابراین در نظام جزائی انگلیس برخلاف سیستم لاتین دستگاه دادستانی بمعنی سیستم لاتین وجود ندارد. مرحله کشف جرم و تحقیق از متهم توسط پلیس انجام گرفته و پلیس برای دفاع از اقدامات خود و حفظ حیثیت عمومی جرم در محکمه حاضر و توسط وکیل که از بین وکلای مدافع دادگستری (۱)، و یا در بعضی جرائم کوچک از بین وکلای مشاور دادگستری (۲)، انتخاب میکند، از اتهام بِنفع جامعه دفاع مینماید. چنانکه اشاره شد نباید تصور کرد که تنها پلیس حق تعقیب مجرمین را دارد بلکه هر یک از افراد ناس نیز میتوانند، بدون آنکه مستقیماً در موضوع ذینفع باشند، اقدام بمتعقیب مجرمین نمایند.

گذشته از دستگاه پلیس که مأمور تعقیب و تحقیق و کشف جرائم است دستگاه دیگری، نظیر دستگاه دادستانی، وجود دارد که فقط جرائم بزرگ و مهم را تعقیب مینماید: این دستگاه تحت نظر یک رئیس اداره میشود که رئیس دستگاه تعقیب نام دارد (۳). طرح شکایت (۴) توسط یکی از افراد جامعه بعمل میاید و پلیس،

۱ - Barrister

۲ - Solicitor

۳ - The Director of public prosecution

۴ - To institute proceedings

بلافاصله پس از طرح شکایت شاکی (۱)، اقدامات لازمه را در جلوگیری از فرار متهم و بمنظور تعقیب بعمل می‌آورد، و با انتخاب وکیل مدافع دادگستری و وکیل مشاور دادگستری در تهیه شهود و احضار آنها و اقدامات دیگری، که برای حفظ حیثیت عمومی جرم لازم است، پرونده را تکمیل و بدادگاه ارسال می‌دارد.

شک نیست پلیس در تعقیب و دفاع از جرائم کوچک تجربه زیادی دارد، ولیکن آشنائی و ورزیدگی در امور قضائی را باید از وکلاء کار آزموده‌ای انتظار داشت که وقت خود را منحصرأ در کار دفاع و قانون صرف کرده‌اند، و لذا جز در موارد معمولی کار دفاع از حق عمومی، از طرف پلیس، به وکلای دادگستری واگذار میشود و در هر مورد و یا قضیه‌ای پلیس نیز، مانند یکتفرد معمولی اجتماع، برای حفظ حق خود، از وکلای دادگستری استمداد میجوید.

رئیس دستگاه تعقیب و تحقیق از بین وکلای مدافع دادگستری و وکلای مشاور دادگستری، که لااقل ده سال سابقه ورزیدگی در کار وکالت دارند، انتخاب شده و تحت نظر مدعی‌العموم کل، با همکاری دستگاهی که از بیست وکیل مدافع دادگستری تشکیل میشود، در اداره مربوطه انجام وظیفه مینماید. وظائف مهم رئیس دستگاه تعقیب و تحقیق عبارتند از:

۱ - راهنمائیهای لازم در مورد تعقیب جرائم و ارشاد پلیس - معمولاً ادارات پلیس و کلانتریها با دستگاه مزبور تماس تلفنی داشته و اشکالات خود را با این دستگاه در میان گذارده، و از وکلای مدافع دادگستری، که در این دستگاه انجام وظیفه میکنند، دستورات لازمه را اخذ و بموقع اجراء میگنارد.

۲ - ادارات پلیس موظفند جرائم مخصوص را با اطلاع رئیس تعقیب و تحقیق برسانند.

۳ - رئیس تعقیب و تحقیق مستقیماً تعقیب جرائم زیرا بعهدده دارد:

الف - جرائمی که مجازات آنها اعدام است.

ب - دعاوی که توسط دولت با و ارجاع میشود.

ج - جرائم مهمه دیگری که باید تحت نظر و با دخالت رئیس تعقیب

و تحقیق تعقیب گردد.

۵ - تحقیق و رسیدگی

چنانچه قبلا نیز اشاره شد در سیستم جزائی انگلستان جرائم از نظر صلاحیت رسیدگی بدو نوع تقسیم میشوند.

۱ - جرائمی که دارای اهمیت کمتری هستند و ممکن است بدون حضور ژوری رسیدگی شوند این جرائم بطور اختصاری (۱) در دادگاههای ماژیسترایت ویا کوارترشن رسیدگی میشود.

۲ - جرائمی که دارای درجهای از اهمیت اند و رسیدگی بآنها باحضور ژوری انجام میگردد.

جرائم نوع اول ونیز رسیدگی مقدماتی (۲) جرائم نوع دوم از قبیل دستور بازداشت واخذ کفیل یا وثیقه در دادگاههای ماژیسترایت بعمل میآید وبا این ترتیب ملاحظه میشود که تقریباً تمام جرائم ابتدا بدادگاههای ماژیسترایت احاله شده، بعضی از آنها در همان محاکم مورد رسیدگی قرار گرفته، و برخی دیگر که دارای اهمیت بیشتری هستند پس از بررسی وتحقیقات اولیه با رسیدگی مقدماتی واخذ کفیل ویا بازداشت متهم، بنا براتب، بدادگاههای جزائی بالاتر فرستاده میشود.

تعقیب جزائی با طرح شکایت (درخواست رسیدگی و تعقیب (۳) شروع میشود. در شکوائیه ازدادگاههای ماژیسترایت درخواست میگردد که اخطاریه ای (۴) بنام مشتکی عنه صادر و او را احضار نمایند، و هرگاه مشتکی عنه حاضر نشود در این صورت تعقیب کننده یا شاکی (پلیس یا افراد عادی) تقاضای صدور دستور بازداشت (۵) مشتکی عنه را مینماید و این تقاضا توأم با سوگند میباشد.

در مواردی که رسیدگی با حضور ژوری انجام میشود لازم است که شخص متهم حاضر باشد، و در بعضی موارد نیز که متهم مختار است بین رسیدگی با ژوری ویا رسیدگی بدون ژوری یکی را انتخاب کند، حضور او در دادگاه ماژیسترایت ضروری است؛ واما در مواردی که حضور متهم لازم نباشد ویا باوجود

۱ - Summarily

۲ - Preliminary inquiry

۳ - Laying an information

۴ - A Sommons

۵ - Warrant

احضار در دادگاه حاضر نگردد دادگاه حکم غیابی صادر خواهد کرد، چنانکه در مورد جرائم ناشی از رانندگی اصولاً دادرسی در غیاب متهم انجام شده و حکم صادر میگردد.

یکی از روشهای جالب و قابل توجه آنستکه بضمیمه برگ احضار برگ دیگری از طرف پلیس ارسال میگردد که در آن متهم با اعتراف بارتکاب عمل (۱) تقاضای رسیدگی میکند. در این برگ متهم اعلام میدارد که قصد حضور در دادرسی را ندارد و با اعتراف بارتکاب عمل جهات و کیفیات مخففه را (۲) با اطلاع دادگاه رسانیده تقاضای صدور حکم میکند. غالب متهمین بوسیله پست با اعتراف به ارتکاب جرم، و تقاضای رسیدگی و صدور حکم، از اتلاف وقت دادگاه و احضار شهود و مخارج دیگری جلوگیری نموده و با این ترتیب مقداری از وقت پلیس برای انجام امور دیگر ذخیره میشود و از کارهای دفتری و ماشین نویسی مربوط باوراق پرونده بمیزان محسوسی کاسته میگردد. در صورتیکه متهم در دادرسی حاضر شود و ارتکاب جرم را از ناحیه خود قبول نماید دادگاه در صورت لزوم به دلائل دیگر رسیدگی کرده و حکم میدهد، و اما در موقعیکه متهم اعتراف نمینماید و منکر ارتکاب جرم میشود موضوع دفاع مطرح میگردد، و دفاع معمولاً توسط وکیل مدافع (باریستر) و یا وکیل مشاور دادگستری (سولیسیتر) بعمل میاید؛ باین ترتیب که پس از انکار جرم از طرف متهم وکیل پلیس و یا وکیل شاکی شکایت خود را طرح کرده و موضوع ادعای خود را توضیح و طریقه ارتکاب عمل را تشریح مینمایند.

البته فن وکیل شاکی در این است که نحوه ارتکاب عمل را طوری بیان کند که نتیجه منظوره خود را بدست آورد. وکیل شاکی باید این نکته را در نظر داشته باشد که صرف بیان واقعه دلیل محسوب نمیشود، و باید از ذکر هر مطلب بدون دلیلی خودداری نماید؛ زیرا اصل مسلم قانون انگلستان آنستکه اثبات ادعا با شاکی جزائی است، و اظهار مطالبی که متکی بدلیل نباشد از ارزش و اعتبار شکایت، بطور قابل ملاحظه‌ای، میکاهد تا آنجا که وجدان قاضی را وادار به برائت متهم میسازد. وکیل شاکی یا وکیل پلیس پس از بیان شکایت شهود خود را اقامه مینمایند و از هر یک از شهود سئوالات لازمه را میکنند و او بیک یک آنها پاسخ میدهد.

۱ - To plead guilty

۲ - Mitigating circumstances

این قسمت از وظیفه وکیل شاکی را (۱) بررسی و اقامه شهود اصلی میگویند (۱) و سپس بررسی متقابل (۲) از شهود توسط وکیل مدافع متهم بعمل میآید، و در بعضی موارد بررسی مجدد (۳) بوسیله وکیل شاکی، آخرین مرحله بررسی شهود را تشکیل میدهد؛ در این بررسی و سؤال و جوابها قواعد مربوط به دلائل (۴) ملاک عمل قرار میگیرد، که رعایت آنها در طرح سؤال و الزام شاهد بیاسخ بسیار ضروری است. در صورتیکه یکی از وکلای طرفین رعایت این قواعد را ننماید با اعتراض طرف مقابل ویا با تذکر دادگاه مواجه خواهد شد؛ و در موقع اعتراض طرف، دادگاه، در قانونی بودن، ویا غیر قانونی بودن روش وکیل سؤال کننده، اظهار نظر میکند. قواعد و مقررات مربوط به دلائل در واقع برای حفظ و حمایت از حق متهم وضع گردیده و رعایت آن از طرف دادگاه با دقت مورد توجه قرار میگیرد.

در بعضی موارد پس از اینکه وکیل شاکی ویا وکیل پلیس شهود خود را بدادگاه ارائه نمود ممکن است وکیل مدافع متهم اعلان کند که هیچگونه دفاعی در مقابل ادعاهای شاکی ندارد، واین بدان معنی است که چون وکیل شاکی نتوانسته اتهام را اثبات کند وکیل مدافع متهم خود را موظف به بیان و هیچ مطلب و دفاعی ندانسته، و صرف ناتوانی وکیل شاکی ویا وکیل پلیس در اثبات اتهام کافی برای صدور حکم برائت متهم از طرف دادگاه میباشد. در مواردی که وکیل مدافع دفاع از متهم را لازم تشخیص دهد دفاع را آغاز میکند (۵)، و شهود خود را که قبلا حاضر نموده فرا میخواند، و بطریقی که در مورد شهود شاکی بیان شد شهود اقامه میشوند، و بررسی متقابل و بررسی مجدد بهمان نحو انجام میگردد. پس از ختم دفاع دادگاه ماژیسترایت نظر خود را بر برائت (۶) ویا مجرمیت (۷) اعلام میدارد.

پس از اعلام مجرمیت و صدور حکم دادگاه از پلیس میخواهد که راجع بسابقه مجرمیت محکوم، هر چه میداند، با اطلاع دادگاه برساند؛ زیرا دادگاه قبل

۱ - Examination in chief

۲ - Cross - examination

۳ - Re - examination

۴ - Rules of evidence

۵ - To open the defence

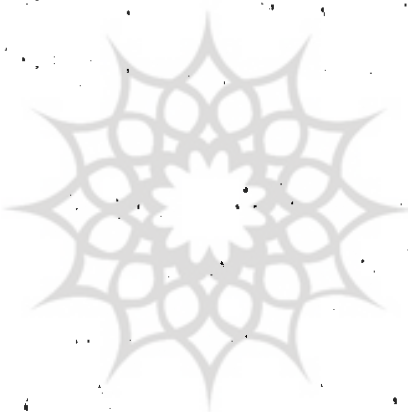
۶ - acquittance

۷ - conviction

از اعلام مجرمیت نباید هیچگونه اطلاعی از سابقه متهم داشته باشد. دلیل این رویه آنستکه قاضی بی طرف وقتی میتواند بدون سابقه ذهنی و با کمال بی طرفی در مورد متهمی قضاوت نماید که از سابقه رفتار او کاملاً خالی الذهن باشد؛ چه اگر قبل از اعلام مجرمیت قاضی از سابقه محکومیت متهم اطلاع حاصل نماید متهم را شخصی مضر بحال اجتماع و مغل نظم عمومی دانسته و ممکن است این سابقه ذهنی در اعلام نظر او بر مجرمیت مؤثر قرار گیرد. برای احتراز از این نتیجه خلاف عدالت است که سابقه محکومیت متهم را قبل از اعلام بر مجرمیت او بسمع قضات نمیرسانند (متأسفانه در کشور ایران نه تنها این قاعده رعایت نمیشود بلکه برعکس غالباً پرونده های سابقه محکومیت متهمین توسط دادستان و یا شاکی ضمیمه پرونده مورد اتهام شده و از ابتدای محاکمه سابقاً ذهنی ناموافق نسبت به متهم در قضات ایجاد مینماید.) البته پس از آنکه دادگاه متهم را مجرم شناخت و پلیس نیز سابقه محکومیتی از مجرم نشان داد در این صورت سابقه محکومیت مؤثر در میزان مجازات بوده و دادگاه هنگام تعیین مجازات سابقه محکومیت مجرم را در نظر میگیرد.

در مواردی که رسیدگی باید با حضور ژوری انجام گردد دادگاه ماژیسترایت فقط بتحقیقات مقدماتی اکتفا نموده و پس از استماع شهود و درج در صورت جلسه، هرگاه دادگاه تشخیص دهد که دلایل کافی برای ارسال پرونده به محکمه بالاتر وجود دارد، و بنا بر اظهارشهود قضیه وقوع جرم را از ناحیه متهم میتوان محتمل دانست (۱)، در این صورت اتهام را برای متهم قرائت نموده و به او اعلام میکند که (ضرورتی ندارد که متهم مطلبی را بیان کند لیکن آنچه را که بگوید در صورت جلسه درج خواهد شد و بعنوان دلیل در محاکمه اش بکار خواهد رفت و او نباید از هیچ مرجعی بیم و یا انتظار و امید لطف و مساعدتی داشته باشد). در صورتیکه دادگاه ماژیسترایت تصمیم بر ارسال پرونده بدادگاه بالاتر بگیرد، در این صورت، مسئله اخذ کفیل مطرح میگردد و دادگاه میتواند در بعضی موارد جرمهای مهم متهم را بازداشت کند. در جرائم بسایر مهم از قبیل قتل کفیل اخذ

نخواهد شد ولی در موارد دیگری که جرم با اهمیت قتل نیست موافقت با اخذ کفیل از اختیارات داد گاه میباشد. پس از ختم تحقیقات مقدماتی کلیه اوراق پرونده و اظهارات متهم بدفتر داد گاه های کوارترشن و یا داد گاه های فصلی (۱) ارسال میگردد، تا محاکمه واقعی متهم بنا بر اهمیت جرم در یکی از آن دوداد گاه صورت پذیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی